

بسم الله الرحمن الرحيم

مؤلفه‌های تربیتی در عصر تفاوت نسلی از منظر خسرو باقری و علی صفایی حائری و نقش آن در تربیت

رسانه‌ای کودکان

استاد راهنما: دکتر یزدان رضوانی

نویسندگان: سمیه سلیمانیان، مریم کریمی

مدرسه علمیه مجتهده امین(ره)

چکیده

تربیت کودکان در عصر تفاوت نسلی، با مواجهه‌ی مستمر با رسانه‌ها و اطلاعات دیجیتال، نیازمند بازخوانی مفاهیم و مؤلفه‌های تربیتی کلاسیک در بستر نوین است. این مقاله با رویکرد تحلیلی-توصیفی، به بررسی مؤلفه‌های تربیتی در اندیشه خسرو باقری و علی صفایی حائری و کاربرد آن‌ها در تربیت رسانه‌ای کودکان می‌پردازد. براساس دیدگاه باقری، کودک در دوره تمهید تربیت، با رشد عقلانیت، عاملیت و تجربه‌ی مطلوب، برای ورود به بلوغ شرعی و تحقق ربوبیت الهی آماده می‌شود و این مؤلفه‌ها پایه‌ای برای پرورش تفکر نقادانه و سواد رسانه‌ای هستند. از سوی دیگر، صفایی حائری بر تربیت در محیط باز و متکثر تأکید دارد و با رویکرد مصون‌سازی شناختی، مؤلفه‌های شخصیت، حریت و تفکر نقادانه را برای توانمندسازی کودکان در مواجهه با پیام‌های متضاد رسانه‌ای مطرح می‌کند. تحلیل مقایسه‌ای این دو دیدگاه نشان می‌دهد که تربیت رسانه‌ای اسلامی باید نه محدودکننده و منع‌کننده، بلکه هدایتگر، تحلیل‌محور و معنابخش باشد تا کودک را به انسان فعال، مسئول و اخلاق‌مدار در فضای دیجیتال تبدیل کند. یافته‌ها، اهمیت ترکیب عقلانیت، عاملیت، مطلوبیت و مصون‌سازی در تربیت رسانه‌ای کودکان و نقش کلیدی والدین و مربیان در بازتعریف تجربه‌ی رسانه‌ای را برجسته می‌کند.

واژگان کلیدی: تربیت رسانه‌ای، تفاوت نسلی، عقلانیت، عاملیت، مصون‌سازی، حریت، تفکر نقادانه.

مقدمه

پدیده تفاوت نسلی و گسترش سریع رسانه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های تازه‌ای را در مسیر تربیت کودکان ایجاد کرده است. کودکان امروز از آغاز زندگی با انبوهی از پیام‌های دیجیتال و اطلاعات چندوجهی مواجه‌اند که نسل‌های گذشته، تجربه‌ی آن‌ها را در مراحل بعدی زندگی کسب می‌کردند. این شرایط ضرورت بازخوانی و بازتعریف مؤلفه‌های تربیتی کلاسیک را در پرتو نظریه‌های معاصر، به‌ویژه تربیت رسانه‌ای، دوچندان کرده است. در این میان، اندیشه‌ی خسرو باقری و علی صفایی حائری به‌عنوان منابع مهم تربیت اسلامی، ابزارهای نظری قوی برای پاسخ به این چالش‌ها ارائه می‌دهند. باقری تربیت را فرآیندی هدفمند برای «ربوبی شدن و ربوبی ساختن انسان» می‌داند و کودکان را در مرحله تمهید، با رشد عقلانیت، عاملیت و تجربه مطلوب، برای ورود به بلوغ و پذیرش دستورات الهی آماده می‌کند. این مؤلفه‌ها، اساس سواد رسانه‌ای و تحلیل اخلاقی پیام‌ها را فراهم می‌آورند و نقش مربیان و والدین در هدایت کودکان به‌سوی انتخاب آگاهانه و تفکر نقادانه را برجسته می‌سازند.

از سوی دیگر، صفایی حائری با تأکید بر تربیت در محیط باز و مواجهه با جریان‌های فکری متکثر، مفهوم مصون‌سازی شناختی را مطرح می‌کند. او با شناسایی سه مؤلفه شخصیت، حریت و تفکر نقادانه، زمینه را برای پرورش کودکانی فراهم می‌سازد که نه صرفاً مصرف‌کننده پیام‌های رسانه‌ای، بلکه تحلیل‌گر، خودآگاه و اخلاق‌مدار باشند. تربیت در اندیشه صفایی، مانند واکسیناسیون فکری، کودکان را در برابر هجمه‌های اطلاعاتی و فرهنگی جامعه از درون مقاوم و توانمند می‌سازد.

این مقاله تلاش دارد با ترکیب این دو نگاه تربیتی، چارچوبی برای تربیت رسانه‌ای کودکان در عصر تفاوت نسلی ارائه دهد؛ چارچوبی که نه حذف و منع رسانه، بلکه هدایت و معنابخشی به تجربه رسانه‌ای کودکان را محور قرار می‌دهد. چنین رویکردی می‌تواند زمینه‌ساز پرورش انسان‌هایی فعال، مسئول و اخلاق‌محور شود که در فضای پیچیده دیجیتال امروز، قادر به تحلیل، انتخاب و تصمیم‌گیری آگاهانه‌اند.

تحلیل دیدگاه‌های تربیتی

۱. تربیت در اندیشه خسرو باقری

دکتر خسرو باقری تربیت را از ریشه «ر ب ب» و فرآیندی هدفمند برای «ربوبی شدن و ربوبی ساختن انسان» می‌داند؛ بر این اساس، تربیت اسلامی یعنی «شناخت خدا به عنوان ربّ یگانه‌ی انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان ربّ خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر».^۱ مولفه‌های اصلی این تعریف عبارتند از شناخت، انتخاب و عمل. باتوجه به این تعریف در می‌یابیم که دوران کودکی از این تعریف، مستثنی است چرا که کودک قبل از بلوغ، فاقد این امکانات است. بنابراین در این دوره، کودک در مرحله تمهید قرار دارد تا برای ورود به قلمرو اصلی تربیت آماده شود. حدود این قلمرو ذیل عناصر اصلی تربیت از دید وی تعریف میشود؛ یعنی «شناخت» خدا بعنوان رب یگانه انسان، «انتخاب» او به عنوان رب خویش و «تن دادن» به طرح ربوبی او. پس سخن گفتن از تربیت در دوران کودکی به معنای ایجاد زمینه‌های مناسب برای سه مولفه تربیت و همچنین از بین بردن عوامل تهدید کننده آن است تا کودک با رسیدن بلوغ، توانایی عملی کردن این تعریف را داشته باشد (باقری، ۱۳۹۸، ص ۵۳).

۱-۱. مراحل تربیت از دیدگاه خسرو باقری

خسرو باقری برای تربیت پنج مرحله در نظر می‌گیرد

^۱ باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۶۱.

- تمهید: زمینه‌سازی برای پذیرش تربیت از طریق آگاهی و انگیزش درونی که از تولد(و حتی پیش از تولد) آغاز شده و تا دوران بلوغ شرعی ادامه پیدا می‌کند. تمهید در اصل مرحله نیست و بعنوان مقدمه سیر مراحل تربیت در نظر گرفته می‌شود.
- اسلام: ورود آگاهانه به مسیر تربیت بر اساس قبول ظاهری اوامر و نواهی الهی که با ذکر شهادتین حاصل می‌شود. در اینجا ملاک، ظاهر است و فرد باید به طور اجمالی باورهای دینی را بپذیرد.
- ایمان: درونی‌سازی ارزش‌ها و باورهای دینی و پیوند آن‌ها با اراده فردی. به عبارتی دیگر تسلیم قلبی به بیشتر اعتقادات به نحو تفصیلی که لازمه آن انجام اعمال صالح است.
- تقوا: تسلیم بودن در ظاهر و باطن با اراده شخص.
- یقین: راهیابی و شهود این حقیقت که مالکیت و تصرف در عالم، تنها از آن خداست. این مرحله خارج از اراده انسان است و خداوند آن را برای به کمال رسیدگان مراحل قبلی، عنایت و اعطاء می‌کند(باقری، ۱۳۹۸، ص ۲۴۴).

۱-۲. مولفه های تربیت کودک در نگاه خسرو باقری

کودک در مرحله تمهید تربیت قرار دارد. رسالت این مرحله آماده سازی کودک برای مواجهه با خدا با شروع از لحظه ی بلوغ شرعی است. کودک در این مرحله برای ورود به مهمترین فصل حیات خود و بزرگترین و به یادماندنی ترین حادثه زندگی خود یعنی قرارگرفتن بعنوان مخاطب خداوند، باید آماده شود. بنابراین والدین و متولیان امر تربیت، باید کودک را در مرحله تمهید، مهیای مواجهه با دستورات خداوند کرده و حرکت وی را تشدید و تقویت کنند. نخستین دستورالعمل خداوند در لحظه بلوغ، مربوط به فکر است؛ اینکه نوجوان، استقلال فکری را جایگزین تقلید فکری کرده و جز از آنچه با عقل سازگار است، تبعیت نکند. انتخاب خداوند و دین و مسیر حرکت زندگی را نیز بر همین مبنا باید انتخاب کند.

از دیدگاه باقری، دوره تمهید خود به دو مرحله تقسیم می‌شود: مرحله بازی که تا سن هفت سالگی ادامه می‌یابد. و مرحله تأدیب که از هفت سالگی تا بلوغ شرعی ادامه می‌یابد. این عناوین تنها از جهت غلبه

ی جنبه ای معین نامگذاری شده است و به معنای فقدان تأدیب در مرحله ی بازی و فقدان بازی در مرحله تأدیب نیست. در مرحله بازی، کودک تکلیف پذیر نیست و هدف آن تنها آشنا کردن وی با تکالیف خویش است بنابراین در صورت عدم انجام تکالیف، مؤاخذه جدی نخواهد شد اما در مرحله تأدیب، کودک قابلیت پذیرش تکلیف تربیتی را یافته و ترک آن می تواند مؤاخذه در پی داشته باشد. با نظر به این مهم، اصول و روش های تربیتی خاصی در این دوره مورد استفاده است که مولفه های اصلی آن ها را می توان به صورت زیر دسته بندی کرد:

- عقلانیت: عقلانیت به معنای رشد عقلانیت برای تصمیم گیری آگاهانه است. عقلانیت از آن جهت اهمیت دارد که فرد با مجهز شدن به آن می تواند بین شیوه های نادرست و درست، تمییز دهد و حتی آموزه های مطلوب فراتر از فرهنگ خود را نیز به درستی دریافت کند. درست است که کودک در مرحله تمهید هنوز وارد بحث اصلی تربیت نشده اما نظام تربیتی باید خود را ملزم بداند که با این اصول همراه شود تا از همان اول کارش را درست انجام دهد و مربیان و متولیان امر تربیت نیز قانع شوند که مباحث فکری را از صافی عقلانیت بگذرانند و بعد در اختیار بچه ها قرار دهند. از آنجا که کودک در این برهه از نظر فکری و ارادی ضعیف است بنابراین نه تنها مربیان بلکه تمام نظام تربیتی باید تنظیم کنند که چگونه و چه آموزه هایی را می خواهند به کودک ارائه دهند. نکته مهم این است که این نحوه انتقال موکول به زمانی که عقل کودکان رشد کرد نمی شود چون همین تأخیر حتی می تواند نظام تربیتی را دچار اشکال کند. زیرا کودک خلع سلاح می شود و در آینده در مقابل قدرت زیاد فرهنگ، امکان مقابله ندارد. بنابراین دچار انفعال شده و دنباله رو و مقلد بار می آید. اما در مورد اینکه چگونه میتوان عنصر عقلانیت را در مورد تربیت رسانه ای کودک به کار برد باید گفت متولیان امر آموزش و خصوصا مربیان، در مورد مباحث تربیتی که می خواهند ارائه دهند باید ابتدا به دنبال پشتوانه آن مباحث باشند؛ اینکه بر اساس کدام دلیل (عقلی یا نقلی) باید این موارد ارائه شوند و ثانیاً پیش زمینه ها را فراهم آورد. در این صورت زمینه را برای تفکر و ورود عنصر عقلانیت به امر تربیت کودک هموار کرده است. از طرفی اگر

کودک نشاند؛ زیرا در این داد و ستد مداوم معنا، ذهن کودک صحنه‌ی رویارویی قدرت‌های فکری متکثر است» (صفایی، ۱۳۷۹، ص ۲۹).

این توصیف صفایی از «محیط باز» در عصر حاضر مصداقی روشن در فضای رسانه‌ای و دیجیتال دارد؛ دورانی که کودک و نوجوان، از نخستین سال‌های رشد خود، با انبوهی از پیام‌ها، تصاویر و ایده‌های متضاد مواجه‌اند. بنابراین، دیدگاه او را می‌توان بنیانی برای نظریه‌ی «تربیت رسانه‌ای اسلامی» دانست که در آن به جای محافظت بیرونی یا محدودسازی دسترسی، بر مصون‌سازی درونی و رشد توان تصمیم‌گیری تأکید می‌شود. مصون‌سازی؛ رویکرد محوری تربیت در محیط باز صفایی روش مطلوب تربیت در چنین فضایی را «مصون‌سازی» می‌داند. او مصون‌سازی را به واکسیناسیون تشبیه می‌کند: همان‌گونه که بدن با ایمنی درونی در برابر ویروس مقاوم می‌شود، انسان نیز باید به ایمنی فکری و اخلاقی برسد تا در برابر هجمه‌های فکری و فرهنگی جامعه از درون پایدار بماند (صفایی، ۱۳۷۹، ص ۴۱).

۱-۲- مولفه‌های تربیت از دیدگاه علی صفایی حائری

مصون‌سازی از نظر او با سه مؤلفه‌ی بنیادین محقق می‌شود: شخصیت، حریت و تفکر.

۱. شخصیت؛ بنیان خودباوری و مسئولیت

شخصیت در اندیشه‌ی صفایی به معنای «خودآگاهی فعال» است؛ یعنی فردی که توان تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس دارد. او می‌گوید: «مربی با واگذاری مسئولیت‌ها، چشم‌پوشی از ضعف‌های ناخواسته‌ی کودک و کوچک شمردن خسارات او، شهادت اقدام و قدرت جبران را در وی زنده می‌کند» (صفایی، ۱۳۷۹، ص ۴۳). از نظر صفایی، تربیت باید از «تسلط مربی بر متربی» به «خودسامانی در متربی» تبدیل شود.

مربی باید فرصت تجربه و آزمون و خطا به کودک بدهد تا اعتماد به نفس و توانایی تصمیم‌گیری پیدا کند. به عنوان مثال، وقتی کودک در مواجهه با پیام دیجیتال اشتباه می‌کند، مربی به جای سرزنش، او را راهنمایی

کند تا پیام را تحلیل کرده و نتیجه‌گیری صحیح داشته باشد. این شیوه، خودباوری و مسئولیت‌پذیری کودک را در فضای رسانه‌ای پرورش می‌دهد.

در عرصه‌ی تربیت رسانه‌ای، مفهوم شخصیت صفایی می‌تواند الگویی برای پرورش کودکانی باشد که به‌جای تقلید کورکورانه از الگوهای رسانه‌ای، دارای معیارهای درونی ارزیابی و انتخاب‌اند.

۲. حریت؛ آزادی در پذیرش و نقد

صفایی میان استقلال و حریت تفاوت می‌گذارد. استقلال اگر از حریت جدا شود، می‌تواند به خودخواهی و تعرض به حقوق دیگران بینجامد؛ اما حریت، به معنای آزادی در پذیرش حقیقت و به رسمیت شناختن حق دیگران است. او می‌گوید: «اگر والد یا مربی — که مظهر قدرت برای کودک است — اشتباه خود را بپذیرد، کودک حریت را می‌آموزد، زیرا می‌فهمد آزادی در پذیرش خطا و اصلاح آن، از قدرت حقیقی سرچشمه می‌گیرد» (صفایی، ۱۳۸۰، ص ۵۶).

حریت به معنای توانایی کودک در نقد پیام‌ها و محتوای رسانه‌ای، پذیرش خطا و حفظ هویت فردی است. والدین یا مربیان می‌توانند با پذیرفتن اشتباهات خود در مواجهه با رسانه‌ها، به کودک بیاموزند که آزادی در اصلاح خطا و پذیرش حقیقت از قدرت واقعی سرچشمه می‌گیرد. این شیوه، کودک را در برابر فشارهای رسانه‌ای و گروهی مصون می‌سازد. در تربیت رسانه‌ای نیز این اصل حیاتی است. کودکی که حریت دارد، در برابر جریان‌های رسانه‌ای و فشار گروهی، نه دچار انفعال می‌شود و نه به نفی مطلق دیگران می‌پردازد. او می‌آموزد که هر پیام را نقد کند، خطا را بپذیرد و در گفت‌وگو با لندیشه‌های متفاوت، هویت خود را حفظ نماید. از این‌رو، حریت در نظام فکری صفایی، ابزار مصون‌سازی در برابر «استعمار فکری رسانه‌ها» است.

۳. تفکر؛ واکسیناسیون شناختی در عصر رسانه

تفکر در منظومه‌ی تربیتی صفایی، «قدرت عبور از ظاهر و دستیابی به باطن مسائل» است. او تربیت بدون تفکر را همانند ساختن خانه‌ای بر شن‌های روان می‌داند و تأکید می‌کند: «در هر تجربه‌ی شخصیت‌ساز یا

حریت‌ساز، باید فرصتی برای اندیشیدن و بازشناسی فراهم شود تا مربی خود به کشف معنا برسد» (صفایی، ۱۳۸۲، ص ۷۵).

تفکر نقادانه یعنی توانایی تحلیل پیام‌های رسانه‌ای و تشخیص ارزش اخلاقی و عقلانی آن‌ها. برای مثال، استفاده از بازی‌های فکری، قصه‌های دیجیتال و پرسشگری هدایت‌شده، فرصت‌هایی برای بازشناسی پیام‌ها و رشد توان تصمیم‌گیری اخلاقی فراهم می‌کند.

در عصر رسانه، تقویت تفکر نقادانه همان چیزی است که نظام‌های آموزشی جهان به دنبال آن هستند. صفایی دهه‌ها پیش از طرح «تفکر انتقادی» در تعلیم و تربیت مدرن، بر ضرورت «درون‌نگری و استدلال شخصی» به عنوان پایه‌ی ایمان و اخلاق تأکید کرده بود. او تربیت را نه انتقال اطلاعات، بلکه هدایت مربی به خودکفایی فکری می‌دانست. این رویکرد، دقیقاً با تربیت رسانه‌ای اسلامی منطبق است؛ تربیتی که هدفش پرورش توان تحلیل و انتخاب آگاهانه در میان سیلاب اطلاعات است.

صفایی حائری سه مؤلفه‌ی شخصیت، حریت و تفکر را تمهید تربیت می‌داند، نه غایت آن. او باور دارد که اگر انسان در دوران پیش از بلوغ به این مصونیت درونی دست یابد، در مرحله‌ی بعدی (پس از بلوغ) آمادگی ورود به «تزکیه و تعلیم» را پیدا می‌کند و می‌تواند به تربیت الهی نائل شود (صفایی، ۱۳۸۲، ص ۷۸).

ترکیب مؤلفه‌های شخصیت، حریت و تفکر، کودک را از مصرف‌کننده منفعل رسانه به انسان فعال، تحلیل‌گر و اخلاق‌محور تبدیل می‌کند. کودک قادر خواهد بود میان واقعیت و بازنمایی رسانه‌ای تمایز قائل شود و پیام‌ها را با معیارهای عقلانیت و اخلاق تحلیل کند؛ بدین ترتیب، تربیت رسانه‌ای بر اساس اندیشه صفایی، زمینه‌ساز رشد درونی، خودآگاهی و تصمیم‌گیری آگاهانه می‌شود. این نگرش، در تربیت رسانه‌ای نیز راهگشاست: کودک و نوجوانی که از درون به خودآگاهی، آزادی و تفکر نقادانه رسیده، دیگر صرفاً مصرف‌کننده رسانه نیست، بلکه می‌تواند از رسانه برای رشد، شناخت و انتخاب معنای زندگی استفاده کند. چنین انسانی همان مربی مصون‌سازی‌شده‌ای است که صفایی از او به عنوان «انسان رشید» یاد می‌کند؛ انسانی که در طوفان پیام‌ها، خود را نمی‌بازد بلکه راه خویش را باز می‌یابد.

نتیجه‌گیری

تحلیل دیدگاه‌های خسرو باقری و علی صفایی حائری نشان می‌دهد که تربیت کودکان در عصر تفاوت نسلی و فضای رسانه‌ای گسترده، نیازمند تلفیق مؤلفه‌های کلاسیک تربیت اسلامی با مهارت‌های نوین تحلیل رسانه‌ای است. از دیدگاه باقری، عقلانیت، عاملیت و مطلوبیت سه ستون اساسی تربیت کودک هستند که زمینه‌ساز رشد تفکر نقادانه، انتخاب آگاهانه و خودآگاهی اخلاقی در مواجهه با پیام‌های رسانه‌ای می‌شوند. او کودک را در مرحله تمهید تربیت آماده می‌کند تا پس از بلوغ شرعی، توانایی تحقق ربوبیت الهی و تصمیم‌گیری اخلاقی پیدا کند. صفایی حائری نیز با تأکید بر تربیت در محیط باز و متکثر، مفهوم مصون‌سازی شناختی را معرفی می‌کند و مؤلفه‌های شخصیت، حریت و تفکر نقادانه را به‌عنوان پایه‌های پرورش کودکانی توانمند در مواجهه با پیام‌های متضاد رسانه‌ای مطرح می‌کند. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که تربیت رسانه‌ای موفق، نه محدودکننده و منع‌کننده، بلکه هدایتگر، تجربه‌محور و معنابخش است و کودک را از مصرف‌کننده منفعل به انسانی فعال، مسئول و اخلاق‌مدار تبدیل می‌کند.

در مجموع، ترکیب این دو رویکرد، چارچوبی عملی برای تربیت رسانه‌ای اسلامی ارائه می‌دهد که عقلانیت و تحلیلگری کودک را تقویت کرده، توان تصمیم‌گیری اخلاقی او را پرورش می‌دهد و زمینه رشد درونی و خودآگاهی او را فراهم می‌کند. چنین الگویی می‌تواند نقش کلیدی ولدین، مربیان و نظام‌های تربیتی را در شکل‌دهی به کودکانی نقاد، مستقل و اخلاق‌مدار در عصر دیجیتال ایفا کند و به تربیت نسلی آماده برای مواجهه با پیچیدگی‌های رسانه‌ای و فرهنگی عصر تفاوت نسلی منجر شود.

منابع

- ۱- باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: طرح نو. ۱۳۹۸.
- ۲- باقری، خسرو. «تربیت دینی کودکان و نوجوانان و رسانه». در یساقی، عبدالعظیم (مصاحبه‌کننده)، مجله کودک، نوجوان و رسانه، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۱.

۳- صفایی حائری، علی. انسان در دو فصل. تهران: انتشارات صراط، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

۴- صفایی حائری، علی. رشد. قم: انتشارات لیلة‌القدر، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۵- صفایی حائری، علی. مسئولیت و سازندگی. تهران: انتشارات صراط، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۶- صفایی حائری، علی. تزکیه و تعلیم در تربیت اسلامی. تهران: نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲.
